



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
سال ششم / شماره بیست‌ویکم / بهار ۱۳۹۶

ارائه مدل رابطه شفافیت و اثربخشی هیئت مدیره بر سیاست تقلیل دهنده مالیاتی در توسعه سرمایه‌گذاری

سحر سپاسی

استادیار، دانشگاه تربیت مدرس، تهران (نویسنده مسئول)
sepasi@modares.ac.ir

حسین اعتمادی

دانشیار، دانشگاه تربیت مدرس، تهران
etemadiah@modares.ac.ir

محمد رضا بسحاق

کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران
m.boshagh@cbi.ir

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۷/۳۰

چکیده

هدف از مطالعه حاضر، ارائه مدلی جهت بررسی رابطه شفافیت و اثربخشی هیئت مدیره بر سیاست تقلیل دهنده مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این تحقیق برای سنجش شفافیت و اثربخشی هیئت مدیره ۱۴ شاخص بر اساس ۴ مولفه استفاده شده است. به منظور آزمون فرضیه، ۵۰ شرکت طی سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ (۳۰۰ سال-شرکت) انتخاب گردیده است. داده های حاصل از گزارش هیئت مدیره شرکت ها با استفاده از مدل سازی معادله ساختاری و نرم افزار پی ال اس مورد تحلیل قرار گرفته اند. با توجه به برازش مدل ساختاری تحقیق ضریب معنا داری ۴/۳۴۲ و ۶/۹۸۲ ($t > 1/96$) است که به معنای معنی دار بودن روابط بین متغیر وابسته و مستقل است. ضریب مسیر ۰/۴۳۸- و ۳۲۱/۰-، به معنی رابطه معکوس بین متغیر وابسته و مستقل است. بر اساس نتیجه حاصل از آزمون فرضیات بین شفافیت و اثربخشی هیئت مدیره با سیاست تقلیل دهنده مالیاتی رابطه معکوسی وجود دارد. به این معنا که با افزایش سطح شفافیت و اثربخشی هیئت مدیره میزان سیاست تقلیل دهنده مالیاتی کاهش می یابد.

واژه‌های کلیدی: سیاست تقلیل دهنده مالیاتی، حاکمیت شرکتی، شفافیت گزارشگری، اثربخشی هیئت مدیره، الگوسازی معادلات ساختاری.

۱- مقدمه

مالیات، قسمتی از درآمد یا دارایی سازمان‌ها است که برای پرداخت مخارج عمومی و اجرای سیاست‌های مالی، در راستای حفظ منابع اقتصادی، توسعه سرمایه‌گذاری اجتماعی و سیاسی کشور، بر اساس قوانین و با اهرم‌های اداری و اجرایی دولت وصول می‌شود. عده‌ای مالیات را مبلغی می‌دانند که دولت از اشخاص، شرکت‌ها و موسسات، بر طبق قانون، برای تقویت حکومت و تأمین مخارج عمومی و توسعه سرمایه‌گذاری اخذ می‌نماید (فرهنگ، ۱۹۷۵). بودجه‌ای که دولت‌ها برای تأمین نیازمندی‌های خود و ارائه خدمات اجتماعی فوق، در سطوح مختلف، از جامعه می‌گیرند، مالیات نامیده می‌شود (تقوی دامغانی، ۱۹۹۰).

مالیات یکی از عوامل مهم در بسیاری از تصمیمات مالی شرکتها است. شواهد اخیر نشانگر آن است که حداقل سازی هزینه مالیات از طریق اتخاذ سیاست‌های تقلیل مالیاتی یکی از خصیصه‌های مشترک چشم‌انداز شرکت‌ها در اکثر کشورها است (لایس و ریچاردسون، ۲۰۱۱). سیاست تقلیل مالیاتی، هزینه‌ها و مزایای قابل توجهی برای مدیران، سهامداران و کل جامعه به همراه خواهد داشت. آنچه که مشخص است اتخاذ تصمیمات و ورود به طرح‌هایی که در راستای حداقل سازی مالیات صورت می‌پذیرد، با ریسک همراه است. ریسک مالیاتی تعریف مشخص و یکسانی ندارد. با این حال آرلینگاوس (۱۹۹۸)، ریسک مالیاتی را چنین شرح می‌دهد: احتمال تفاوت بین بازده مالیاتی ناشی از طرح‌های مالیات‌کاه با آنچه که مورد انتظار بوده است به دلایلی از قبیل تغییر در قوانین، شرایط تجاری و فرآیندهای قضایی، افزایش حساسیت حسابرسان به موضوع مالیات و عدم اطمینان نسبت به صحیح بودن تفاسیر صورت گرفته از قوانین است. بنابراین با وجود چنین ریسکی، ساده‌انگاری است که فرض شود اتخاذ سیاست‌های تقلیل مالیاتی همواره منجر به حداکثرسازی ارزش شرکت خواهد شد. به هر حال چنین فعالیت‌هایی منجر به کاهش شفافیت و کیفیت گزارشگری شرکت نیز می‌شود، زیرا مستلزم معاملات پیچیده و استفاده از خلاء قانونی می‌باشد. اما در این بین آنچه که در ذهن متبادر می‌شود این است که آیا عواملی از قبیل شفافیت در گزارشگری و اثربخشی هیئت مدیره به عنوان مولفه‌های حاکمیت شرکتی نیز می‌توانند بر اتخاذ سیاست تقلیل مالیاتی تأثیر گذارند یا خیر.

حاکمیت شرکتی یک مفهوم چند بعدی است که شفافیت، مسئولیت‌پذیری، اثربخشی هیئت مدیره، اثر مالکیت و حقوق ذینفعان از جمله مفاهیم بنیادی آن است. می‌توان گفت حاکمیت شرکتی سازوکارهایی است که از طریق اعمال آنها، مشکلات نمایندگی کاهش پیدا کرده، کیفیت اطلاعات ارائه شده از سوی شرکت‌ها بهبود یافته و رعایت حقوق سهامداران و سایر ذینفعان از جمله دولت و عموم جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین با توجه به نقش مثبت حاکمیت شرکتی در امور شرکت می‌توان انتظار داشت اتخاذ سیاست تقلیل مالیاتی به دلیل ریسک بالا و تأثیر نامساعد آن بر وجهه شرکت، در شرکت‌هایی با سازوکارهای حاکمیتی قوی تر کمتر مشاهده گردد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

۱-۲- سیاست تقلیل دهنده مالیاتی

تعاریف متفاوتی از سیاست تقلیل دهنده مالیاتی به وسیله محققان ارائه شده است. اجتناب از پرداخت مالیات به عنوان کاهش مالیات آشکار هر ریال از سود قبل از مالیات تعریف شده است. سیاست تقلیل مالیاتی به طور متداول به ابزارهای صرفه جویی مالیات که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می دهد و ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می دهد، اطلاق می شود. پاسترناک و ریکو (۲۰۰۸)، سیاست تقلیل مالیاتی را استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، به منظور کاهش مقدار مالیات قابل پرداخت به وسیله ابزارهایی که در خود قانون است، تعریف کرده اند.

بر اساس تعریف اسلمرد (۲۰۰۴)، نوع مشروع اجتناب از پرداخت مالیات از تفاوت بین قوانین مالیاتی و اصول پذیرفته شده حسابداری ناشی می شود. مثالی از این مورد روش محاسبه هزینه استهلاک است. قانون مالیاتی، شرکت ها را ملزم می کند که با استفاده از روشی الزامی شده در قانون، دارایی را مستهلک کنند اما اصول پذیرفته شده حسابداری به شرکت ها اجازه می دهد هزینه استهلاک را به گونه ای محاسبه کنند که اطلاعات بهتری به استفاده کنندگان صورت های مالی منتقل شود.

۲-۲- حاکمیت شرکتی

موضوع حاکمیت شرکتی از دهه ۱۹۹۰ میلادی در انگلیس، آمریکا و کانادا در پاسخ به مشکلات مربوط به اثربخشی هیئت مدیره شرکت های بزرگ مطرح گردید. مفاهیم اولیه حاکمیت شرکتی با تهیه گزارش کدبری (۱۹۹۲) در انگلیس، مقررات هیئت مدیره در شرکت جنرال موتورز آمریکا و گزارش دی در کانادا شکل گرفت. بعدها با گسترش سرمایه گذاری های بین المللی، نهادهای مختلفی همچون، بانک جهانی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در این زمینه فعال شده و اصول متعدد و متنوعی را منتشر کرده اند. یکی از آخرین اصول منتشر شده در سطح جهانی اصول OECD در سال ۲۰۰۴ میلادی است که شش حوزه زیر را در بر می گیرد:

- ۱- تأمین مبنایی برای چارچوب موثر حاکمیت شرکتی، ۲- حقوق سهامداران و کارکردهای اصلی مالکیتی،
- ۳- مسئولیت هیئت مدیره در قبال حسابرسی و کنترل های داخلی، ۴- نقش ذینفعان در حاکمیت شرکتی، ۵- افشا و شفافیت، ۶- کارایی و اثر بخشی هیئت مدیره.

۲-۳- تبیین ارتباط بین شفافیت و سیاست های مالیاتی

اطلاعات شفاف را می توان به عنوان یکی از ابزارهای ایفای مسئولیت پاسخگویی مدیران دانست. هر قدر توزیع اطلاعات در جوامع بیشتر باشد، امکان تصمیم گیری آگاهانه و پاسخگویی بخش خصوصی و دولتی در مورد چگونگی تحصیل و مصرف منابع بیشتر می شود و امکان رشد فساد کاهش می یابد (وانان و کافمن، ۱۹۹۹). از سوی دیگر به همان اندازه نیز شرکت ها در ایفای مسئولیت پاسخگویی خود نسبت به ذینفعان موفق عمل خواهند کرد و در نتیجه، ارائه اطلاعات شفاف موجب محاسبه دقیق و صحیح مالیات حقه دولت

خواهد شد (نوبخت، ۱۳۸۵). با توجه به پیامدهای اجتماعی و اقتصادی استفاده از سیاست تقلیل مالیاتی و با توجه به تغییر توازن قدرت بین بازار و دولت‌های مختلف، افراد و سازمان‌های متعددی در سراسر جهان و به خصوص در اروپا، مسئله مالیات را به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در نظر می‌گیرند (هراری، ۲۰۱۲). در یک ارتباط دو سویه از آنجا که سیستم مالیاتی بهترین راه شفافیت درآمدی است، یک نظام مالیاتی کارآمد و عادلانه می‌تواند خود یک کنترل‌کننده نرم افزاری و علمی جهت ارتقا سطح کارآمدی اقتصاد و شفافیت اطلاعات منتشر شده در حوزه‌های مختلف اقتصادی هر کشور باشد. از این دیدگاه به نظر می‌رسد، سیاست‌های مالیاتی مناسب منجر به بهبود شفافیت گزارشگری مالی، و شفافیت گزارشگری مالی به محاسبه دقیق مالیات خواهد انجامید.

پس از نشانه‌های تقلب حسابداری و پناهگاه‌های مالیاتی متهورانه در شرکت انرون در سال ۲۰۰۱، قانون‌گذاران، دانشگاهیان و روزنامه‌نگاران همزمان به بررسی افزایش تهور گزارش‌های مالی و مالیاتی در سراسر شرکت‌های بزرگ آمریکا پرداخته‌اند. بحران ایجاد شده سبب شد موضوع شفافیت بعنوان یک پدیده لازم و مهم در بازار، سهم بیشتری را بخود اختصاص دهد. عدم هماهنگی بین حسابداری مالی و قوانین مالیاتی نیز فرصتی برای مدیران فراهم آورد تا بتوانند درآمد دفتري و یا سود مشمول مالیات را دستکاری نمایند. کاهش شفافیت گزارشگری در تخلفات ناشی از فرار مالیاتی بی‌تأثیر نبوده است. در اکثر پژوهش‌های انجام شده در خصوص گزارشگری مالی علایق استفاده‌کنندگان برون سازمانی شامل سرمایه‌گذاران، مدیران، حساب‌برسان و دانشگاهیان اساس کار قرار می‌گیرد. در حالی که به نقش پر اهمیت دولت به عنوان یکی از گروه‌های ذینفع همیشگی گزارشگری مالی کمتر توجه می‌شود. توجه به ارائه اطلاعات شفاف به دولت و سهم آن از گزارشگری مالی و کمک گزارشگری مالیاتی امکان‌پذیر است. نقش نهادهای قانونگذار در الزامی کردن افشای اطلاعات و افزایش شفافیت برجسته‌تر از گذشته می‌شود. گرچه اطلاعات کامل در بهترین شرایط نیاز به الزام قانونی دارد.

۲-۴- هیئت مدیره اثربخش و رویکرد آن نسبت به سیاست تقلیل دهنده مالیاتی

نتایج برخی تحقیقات نشان می‌دهد گستردگی و تنوع هیئت مدیره می‌تواند باعث افزایش اثربخشی و بهبود اجرای وظایف مدیریت گردد (یرماک، ۱۹۹۶). با این حال هیئت مدیره زمانی می‌تواند نقش خود را بصورت موثر ایفا نماید که قادر باشد رای و نظر افرادی که نقش کلیدی در تصمیمات هیئت مدیره دارند را به نحو مناسب بررسی و محدود نماید (ریچاردسون و لانیس، ۲۰۱۱). به عبارت دیگر، کنترل هیئت مدیره توسط افراد و گروه‌های خاص می‌تواند مانع جدی بر سر راه ایفای وظایف هیئت مدیره گردد. نفوذ مدیران موظف روی هیئت مدیره می‌تواند زمینه را برای درگیر شدن مدیران به خصوص اعضای هیئت مدیره به تباری برای تسخیر ثروت سهامداران فراهم آورد (ویلیامسون، ۱۹۸۴). مدیران معمولاً فعالیت‌های متقلبانه خود را از طریق گزارشگری مالی متقلبانه انجام می‌دهند. از منظر تئوری نمایندگی، یکی از انگیزه‌های اصلی مدیران برای گزارشگری مالی متقلبانه، به پاداش مدیران بر می‌گردد. سیستم پاداش مدیران می‌تواند انگیزه مدیران را برای گزارشگری مالی متقلبانه و همچنین استراتژی جسورانه؛ از جمله سیاست تقلیل دهنده مالیات بیافزاید. ممکن است مدیران

انگیزه داشته باشند که شرکت را وارد طرح ها و برنامه های مالیاتی جسورانه نمایند و بدین وسیله حداکثر منفعت را بدست آورند. در حالی که ممکن است این استراتژی ها و برنامه ها به نفع شرکت و سهامداران نباشد و در افق بلندمدت و یا حتی کوتاه مدت هزینه های هنگفتی به شرکت تحمیل گردد. یکی از استراتژی هایی که سهامداران و ذینفعان می توانند اتخاذ نمایند تا بدین وسیله از این پیامدها اجتناب شود؛ ایجاد ترکیب هیئت مدیره مناسب است تا بدین وسیله اثربخشی هیئت مدیره افزایش یابد. ترکیب مناسب مدیران می تواند عاملی بازدارنده برای سیاست تقلیل دهنده مالیات باشد. بنابراین می توان چنین انتظار داشت که در صورت وجود هیئت مدیره کارا و قوی، شرکت ها کمتر به سوی فعالیت ها و طرح های جسورانه مالیاتی حرکت نمایند. یافته های تحقیقات نشان می دهد که هیئت مدیره اثربخش می تواند ارزش افزوده بسیاری از جمله نظارت موثر، کاهش فعالیت های متقلبانه و گزارشگری گمراه کننده برای شرکت ایجاد نمایند (دی آنجلوو همکاران، ۱۹۹۴؛ بیسلی، ۱۹۹۶؛ اوزون و همکاران، ۲۰۰۴).

۲-۵- پیشینه پژوهش

مشایخی و سیدی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه برخی از معیارهای مهم راهبری شرکتی؛ شامل درصد مالکیت نهادی، استقلال هیئت مدیره و اندازه هیئت مدیره؛ و اجتناب مالیاتی پرداخته اند. نتیجه این تحقیق مبین آن است که رابطه معناداری بین راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی وجود ندارد. علاوه بر این، رابطه منفی و معناداری بین متغیرهای کنترلی سودآوری و اندازه شرکت و همچنین رابطه مثبت و معناداری بین حسابرسی مالیاتی و اجتناب مالیاتی مشاهده گردید.

سپاسی و فتحی (۱۳۹۴) در تحقیقی به بررسی رابطه برخی از ویژگی های حاکمیت شرکتی (نسبت هیأت مدیره موظف، نسبت تغییرات هیأت مدیره و نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره) بر سیاست تعهدی تقلیل دهنده مالیاتی پرداخته اند. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این است که نسبت هیئت مدیره موظف، نسبت تغییرات هیئت مدیره و نقش دوگانه رئیس هیئت مدیره تأثیر معناداری بر سیاست تعهدی تقلیل دهنده مالیاتی ندارد. اما این درحالی است که وضعیت مالیاتی و نسبت بازده دارایی ها به ترتیب رابطه ای منفی و مثبت با سیاست تقلیل دهنده مالیاتی دارند.

باباجانی و عیدی (۱۳۸۹) به بررسی رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت ها پرداخته اند. این ارزیابی از طریق بررسی رابطه بین معیارهای حاکمیت شرکتی با درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی صورت گرفته است. نتایج تحقیق بیانگر عدم تفاوت معنادار بین میانگین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در گروه شرکت هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا هستند، با گروه شرکت هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا نیستند، بوده است.

ریچاردسون و وانگ (۲۰۱۶) در تحقیقی به بررسی رابطه بین ساختار مالکیتی و اجتناب مالیاتی پرداخته اند که، نتیجه تحقیق آن ها در کشور چین نشان می دهد رابطه خطی معنی داری بین ساختار مالکیت با اجتناب مالیاتی وجود ندارد.

لاگویر و الباز (۲۰۱۵) در تحقیقی به بررسی تأثیر ابعاد مختلف مسئولیت اجتماعی بر فرار مالیاتی پرداخته‌اند. نتیجه تحقیق آنها حاکی از آن است که، حاکمیت شرکتی قوی و افشای اجتماعی مسئولیت اجتماعی با سطح پایین تر فعالیت جسورانه مالیاتی همراه است اما فعالیت بیشتر در بعد اقتصادی مسئولیت اجتماعی با سطح بالایی از فعالیت جسورانه مالیاتی مرتبط است.

برتشر و همکاران (۲۰۱۳) از جمله تحقیقات صورت گرفته در زمینه اجتناب مالیاتی و حاکمیت شرکتی است. آنها به بررسی این موضوع می‌پردازند که آیا جدایی مالکیت و کنترل، برنامه ریزی مالیاتی شرکت‌های خصوصی دارای ساختار مالکیت متفاوت را، تحت تأثیر قرار می‌دهد یا خیر؟ آنها در می‌یابند که شرکت‌هایی که بیشتر بر مالکیت و کنترل تمرکز دارند، اجتناب مالیاتی کمتری دارند. آنها همچنین به این نتیجه رسیدند که هزینه‌های ضمنی اجتناب مالیاتی و جدایی مالکیت و کنترل هر دو، برنامه ریزی مالیاتی شرکت‌های خصوصی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

زمزم و فتوحی (۲۰۱۳) در تحقیقی به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت مدیره بر استراتژی مالیاتی جسورانه در شرکتهای فرانسه برای دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها حاکی از این بود که بین کارایی هیئت مدیره و رعایت حقوق سهامداران و استراتژی مالیاتی جسورانه رابطه معنادار منفی وجود دارد.

لنیس و ریچاردسون (۲۰۱۱)، به بررسی اثرات ترکیب هیئت مدیران بر اقدامات تقلیل‌دهنده مالیاتی پرداخت. بدین منظور ۳۲ شرکت که شامل ۱۶ شرکت دارای رفتارهای تقلیل‌دهنده و ۱۶ شرکت بدون رفتارهای تقلیل‌دهنده مالیاتی، به عنوان نمونه انتخاب نمودند و از طریق اجرای رگرسیون برای نمونه انتخابی، بیان می‌نمایند وجود نسبت بالایی از اعضای خارجی در هیئت مدیره، احتمال رفتارهای تقلیل‌دهنده مالیاتی را کاهش می‌دهد.

بلکشنون و بولین (۲۰۱۱)، در پژوهشی تحت عنوان "آیا سیاست‌های مالیاتی متهورانه شفافیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد؟" دریافتند که اگر چه برنامه ریزی مالیاتی باعث صرفه جویی‌هایی در مالیات مورد انتظار می‌گردد، از طرف دیگر به طور همزمان می‌تواند باعث افزایش پیچیدگی سازمان گردد. و اگر این پیچیدگی از حدی بیشتر شود باعث ایجاد مشکلات شفافیت می‌گردد.

کرانا و موسر (۲۰۱۰) به این موضوع پرداختند که آیا مالکیت نهادی عاملی اثرگذار بر اجتناب مالیاتی می‌باشد یا خیر. آن‌ها برای عملیاتی نمودن اجتناب مالیاتی، از نرخ موثر مالیات نقدی پنج ساله و تفاوت مالیات دفتری دائمی سالانه طی بازه زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۸ استفاده کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند شرکت‌هایی که مالکان نهادی بیشتری دارند، اجتناب مالیاتی بیشتر را در دستور کار قرار می‌دهند.

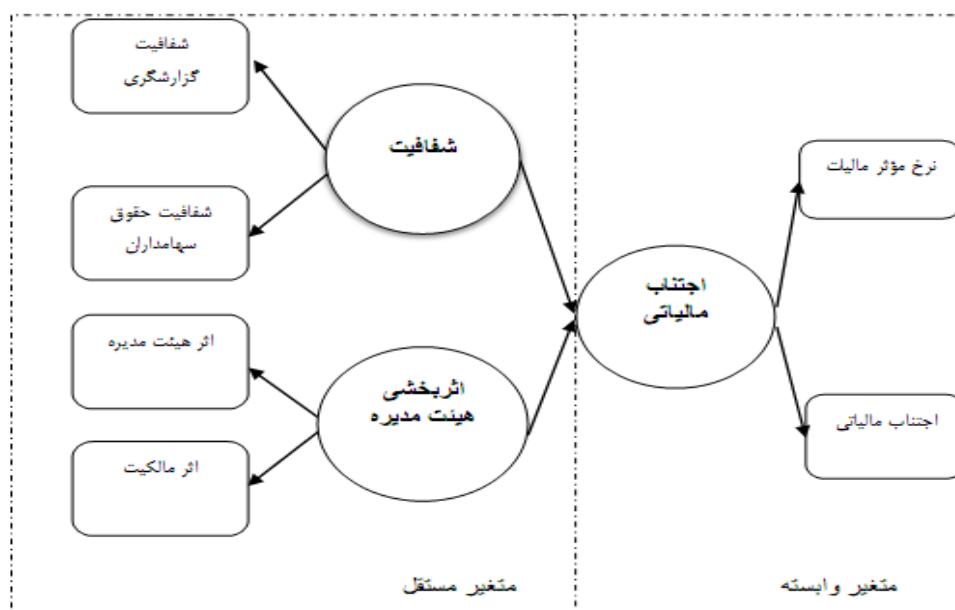
۳- روش شناسی پژوهش

در این پژوهش، از رویکرد قیاسی- استقرایی استفاده شده است. در روش قیاسی اقدام به مطالعه مبانی نظری راجع به متغیرهای تحقیق شده تا بر اساس روش‌های مناسب، مقادیر متغیرهای مورد نظر محاسبه شود

و پس از آن در روش استقرایی به بررسی معنادار بودن ارتباط شفافیت و اثربخشی هیئت مدیره و سیاست تقلیل دهنده مالیاتی پرداخته می شود. روش کلی پژوهش از جهت هدف، کاربردی و از نوع پژوهش های شبه تجربی و پس رویداد است و با استفاده از اطلاعات گذشته انجام شده است. دوره زمانی این پژوهش ۶ سال، از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ است. جامعه آماری این پژوهش نیز متشکل از کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نمونه آماری با استفاده از روش نمونه گیری حذفی و در صورت دارا بودن شرایط زیر انتخاب شده است.

- ۱) تاریخ پذیرش شرکت قبل از سال ۱۳۸۹ باشد.
 - ۲) جزء شرکت های سرمایه گذاری و واسطه گری مالی نباشد.
 - ۳) شرکت سود ده باشد.
 - ۴) نرخ موثر مالیاتی کمتر از یک باشد.
- با در نظر گرفتن شرایط بالا، ۵۰ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده اند که با توجه به اینکه بازه زمانی پژوهش ۶ سال بوده است، تعداد مشاهدات این پژوهش ۳۰۰ سال - شرکت بوده است.

۴- مدل پژوهش و متغیرهای آن



شکل (۱) - مدل مفهومی پژوهش

جدول (۱) - متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر وابسته	شرح/عنوان
نرخ موثر مالیاتی	هزینه مالیات * $\frac{\text{سود قبل از کسر مالیات}}{1}$
اجتناب مالیاتی	هزینه مالیات * کل دارایی‌ها/(سود قبل از کسر مالیات - $\frac{22.5\%}{\text{هزینه مالیات}}$)

نرخ موثر مالیات از تقسیم هزینه مالیات بر عملکرد بر درآمد قبل از کسر مالیات بدست می‌آید. این نرخ نشان می‌دهد مالیات بر درآمد شرکت چند درصد درآمد قبل از مالیات می‌باشد. با توجه به اینکه تمام درآمدهای شرکت ممکن است مشمول مالیات نباشند، در نتیجه این نرخ تحت تأثیر فعالیت‌های تقلیل مالیاتی شرکت قرار می‌گیرد. برای محاسبه نرخ قانونی مالیات شرکت؛ با توجه به ماده ۶ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی که در سال ۱۳۸۸ تصویب و در سال ۱۳۸۹ دستورالعمل مربوطه تصویب و ابلاغ گردید؛ اقدام به تعیین نرخ مالیات می‌شود. نرخ مالیاتی شرکت‌ها تا قبل از سال ۱۳۸۸ با نرخ ۲۲/۵ و از سال ۱۳۸۹ به بعد چنانچه سهام شناور شرکت حداقل ۲۰ درصد بوده باشد، با نرخ ۲۰ درصد و در غیر این صورت با نرخ ۲۲/۵ درصد تعیین گردیده است. اختلاف بین نرخ واقعی مالیات و نرخ مالیات، مبین آن است که شرکت چه میزان سیاست تقلیل دهنده مالیاتی داشته است. علاوه بر این، با مستثنا کردن شرکت‌هایی که دارای زبان سنواتی مورد تأیید می‌باشند، صرفاً شرکت‌هایی مورد بررسی قرار گرفتند که در شرایط کلی می‌توانستند مشمول مالیات قرار گیرند (مهرانی و سیدی، ۱۳۹۲).

جدول (۲) - کدگذاری شاخص‌های افشا و اثربخشی هیئت مدیره

مولفه‌ها	شاخص‌های افشا و اثربخشی هیئت مدیره
شفافیت	افشای جزئیات معاملات با اشخاص ثالث
	نداشتن موارد عدم رعایت چک لیست سازمان بورس و اوراق بهادار
	مبالغ پرداختی به حسابرس بابت خدمات حسابرسی
	داشتن سیاست تغییر حسابرس
شفافیت در حقوق سهامداران	اعلام جدول زمان بندی تقسیم سود به سهامداران حداقل یک هفته قبل از مجمع عمومی عادی سالیانه
	پرداخت سود تقسیمی به سهامداران طبق قانون
	اعلام سیاست تقسیم سود
اثربخشی هیئت مدیره	داشتن دستورالعمل برای اعضای هیئت مدیره در خصوص عضویت مجاز در هیئت مدیره سایر شرکت‌ها
	وجود محدودیت حداکثر سن برای عضویت اعضای اجرایی در هیئت مدیره شرکت
	وجود محدودیت برای حداکثر سال‌هایی که یک نفر می‌تواند در هیئت مدیره

شاخص‌های افشا و اثربخشی هیئت مدیره		مولفه‌ها
عضویت داشته باشد	تصویب ماموریت، چشم انداز و ارزش‌ها برای شرکت	اثربخشی
درصد مالکیت دولتی کمتر از ۵۰٪ است؟		
درصد مالکیت بزرگترین سهامدار شرکت کمتر از ۵۰٪ است؟	درصد سهام شناور آزاد بزرگتر یا مساوی ۲۰٪ است؟	اثربخشی
درصد سهام شناور آزاد بزرگتر یا مساوی ۲۰٪ است؟		

۵- یافته‌های پژوهش

چهار مولفه شفافیت حقوق سهامداران، شفافیت گزارشگری، اثر هیئت مدیره و اثر مالکیت مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به نتایج حاصل از آمار توصیفی، به ترتیب مولفه‌های شفافیت حقوق سهامداران، شفافیت، اثر مالکیت و اثربخشی هیئت مدیره دارای بیشترین افشا می‌باشند. با توجه به نتایج، مطابق تئوری نمایندگی در بین مولفه‌های موجود شفافیت حقوق سهامداران دارای بیشترین افشا است که نشان دهنده توجه ویژه اعضای هیئت مدیره به سهامداران خود می‌باشد. و مولفه اثر هیئت مدیره دارای کمترین افشا می‌باشد، که نشان دهنده نظارت ضعیف بر هیئت مدیره شرکت‌ها می‌باشد.

جدول (۳) - آماره‌های توصیفی پژوهش

متغیرهای تحقیق	میانگین	میانگین	مد	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
شفافیت گزارشگری	۲/۸۶	۳/۰۰	۲/۷۵	۱/۲۵	۴/۰۰
شفافیت حقوق سهامداران	۳/۳۴	۳/۳۳	۳/۳۳	۱/۶۷	۴/۳۳
اثر هیئت مدیره	۱/۵۸	۱/۵۰	۱/۵۰	۱/۰۰	۲/۵۰
اثر مالکیت	۲/۴۷	۲/۶۷	۲/۶۷	۱/۳۳	۳/۶۷
نرخ موثر مالیاتی	۰/۸۹	۰/۸۴	۰/۷۸	۰/۷۰	۰/۹۸۸
اجتناب مالیاتی	۰/۸۳	۰/۸۸	۰/۷۱	۰/۷۳	۰/۹۶۴

جدول (۴) - آزمون کلموگروف اسمیرنوف

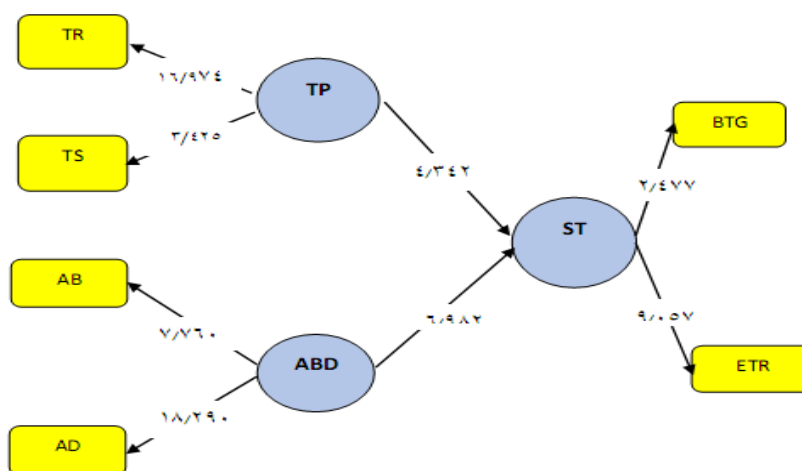
متغیرهای وابسته تحقیق	آماره آزمون کلموگروف اسمیرنوف	سطح معنی داری	نتیجه
نرخ موثر مالیاتی	۱/۴۵۷	۰/۰۲۹	غیرنرمال
اجتناب مالیاتی	۳/۹۱۷	۰/۰۰۰	غیرنرمال

با توجه به جدول فوق سطح معنی داری آزمون کولموگروف - اسمیرنوف همه سوالات تحقیق کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد. و یا مقدار آزمون کلموگروف اسمیرنوف بیشتر از ۱/۹۶ می باشد. بنابراین فرضیه H_1 تایید می شود یعنی توزیع داده ها در این نمونه آماری نرمال نیست.

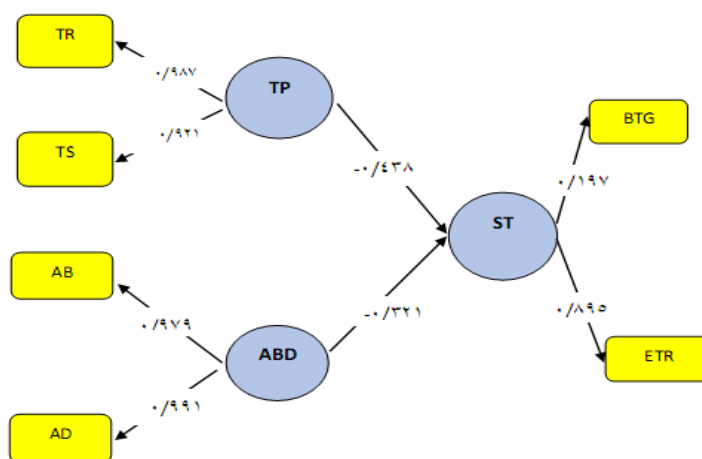
جدول (۵) - برازش مدل اندازه گیری

متغیرهای تحقیق	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	روایی همگرا
شفافیت	۰/۹۷۹	۰/۹۸۵	۰/۹۴۲
اثربخشی هیئت مدیره	۰/۹۲۱	۰/۹۵۱	۰/۹۱۱

با توجه به اینکه مقدار مناسب برای آلفای کرونباخ ۰/۶، برای پایایی ترکیبی ۰/۷ و برای روایی همگرا ۰/۵ می باشد و تمامی معیارها در قسمت سنجش بارهای عاملی مقدار مناسبی دارند، می توان مناسب بودن وضعیت پایایی، و روایی همگرای تحقیق را تایید کرد.



شکل (۲) - آزمون معناداری مدل تحقیق



شکل (۳) - ضریب مسیر مدل تحقیق

جدول (۶) - آزمون معیار برازش مدل

مقادیر اشتراکی	ضریب تعیین	متغیر وابسته تحقیق
0.603	0.690	سیاست تقلیل

$$GOF = \sqrt{R^2 * \text{Communality}}$$

Communality (مقادیر اشتراکی) = این مقدار از میانگین مجذور بارهای عاملی هر متغیر به دست می آید.

Communality = از میانگین مقادیر اشتراکی هر متغیر درون زای مدل به دست می آید.

R^2 = میانگین مقادیر ضریب تعیین متغیرهای درون زای مدل است.

$$GOF = \sqrt{0.690 * 0.603} = 0.645$$

با توجه به سه مقدار 0.1، 0.25 و 0.36 که به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای برازش مدل معرفی شده است و حصول مقدار 0.645 برای برازش مدل، نشان از برازش کلی قوی مدل دارد.

جدول (۷) - نتیجه حاصل از آزمون مدل تحقیق

نتیجه	ضریب معنی داری	ضریب مسیر	نوع مسیر	متغیر وابسته	متغیر مستقل
تایید	4/342	-0/438	مستقیم	سیاست تقلیل مالیاتی	شفافیت
تایید	6/982	-0/321	مستقیم	سیاست تقلیل مالیاتی	اثربخشی هیئت مدیره

ضریب معناداری $4/342$ ($t > 1/96$) به این معنی است که رابطه بین متغیر مستقل یعنی شفافیت و متغیر وابسته، سیاست تقلیل دهنده مالیاتی معنی دار است. ضریب مسیر $-0/438$ ، به این معنی است که بین سطح افشا شفافیت و سیاست تقلیل دهنده مالیاتی رابطه منفی وجود دارد.

ضریب معناداری $6/982$ ($t > 1/96$) به این معنی است که بین اثربخشی هیئت مدیره و سیاست تقلیل دهنده مالیاتی معنی دار است. ضریب مسیر $-0/438$ ، به این معنی است که بین سطح اثربخشی هیئت مدیره و سیاست تقلیل دهنده مالیاتی رابطه منفی وجود دارد.

۶- نتیجه گیری و بحث

مدیران باید نسبت به سهامداران، دولت و سایر ذینفعان پاسخگو باشند. سهامداران به دنبال حداکثر سازی سود خود هستند، اما دولت‌ها به واسطه درآمد حاصل از مالیات به دنبال رفع نیازهای مالی موجود در جامعه هستند (لانیس و ریچاردسون، ۲۰۱۱). طبق تئوری ذینفعان، ذینفعان انتظار دارند که هر سازمانی سهم عادلانه خود را از مالیات پرداخت کند، تا بدین وسیله دولت به واسطه منابع حاصل از مالیات در راستای منافع اجتماعی از قبیل احداث کتابخانه، توسعه حمل و نقل عمومی، حفظ و حراست از محیط زیست و غیره، با توسعه سرمایه گذاری اجتماعی خود امکانات مورد نظر را فراهم کند (لاگویر و الباز، ۲۰۱۵). حاکمیت شرکتی سازو کارهایی است که از طریق اعمال آنها، مشکلات نمایندگی کاهش پیدا کرده، کیفیت افشای اطلاعات ارائه شده از سوی شرکت‌ها بهبود یافته و رعایت حقوق سهامداران و سایر ذینفعان از جمله دولت‌ها و عموم جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین با توجه به نقش مثبت حاکمیت شرکتی در امور شرکت می‌توان انتظار داشت اتخاذ رویکردهای تقلیل مالیاتی به دلیل ریسک بالا و تأثیر نامساعد آن بر وجهه شرکت، در شرکت‌هایی با سازوکارهای حاکمیتی قوی کمتر مشاهده گردد (مشایخی و سیدی، ۱۳۹۴). نتایج حاصل از تحقیق هانگ (۲۰۱۱)، لانیس و ریچاردسون (۲۰۱۱) و برتشر و همکاران (۲۰۱۳) حاکی از آن است سازمان‌هایی که سهم خود از مالیات را پرداخت می‌کنند جامعه رقبت بیشتری در سرمایه‌گذاری در آن سازمان‌ها نشان می‌دهند. از این رو سازمان‌های با حاکمیت شرکتی قوی علاوه بر پرداخت صحیح مالیات خود، اعتماد اجتماعی را جلب کرده و بدین واسطه جذب سرمایه می‌کنند.

در تحقیق حاضر به بررسی تأثیر شفافیت و اثربخشی هیئت مدیره بر سیاست تقلیل دهنده مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. نتایج حاصل از بررسی ۳۰۰ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴ حاکی از آن است که بین شفافیت و اثربخشی هیئت مدیره با سیاست تقلیل دهنده مالیاتی رابطه منفی معنی داری وجود دارد. به این معنی که هرچقدر میزان شفافیت در سازمان و اثر بخشی هیئت مدیره بالا رود سیاست تقلیل دهنده مالیات کمتر می‌شود.

ز آنجا که در غالب پژوهش‌های صورت گرفته رابطه عناصر تشکیل دهنده متغیر شفافیت و اثربخشی مانند شفافیت گزارشگری (تحقیق بلکرشنون و بولین، ۲۰۱۱)، ساختار مالکیت (تحقیقات ریچاردسون و وانگ، ۲۰۱۶؛ زمزم و فتوحی، ۲۰۱۳، لانیس و ریچاردسون، ۲۰۱۱ و کرانا و موسر، ۲۰۱۰) و مسئولیت اجتماعی (تحقیق لاگویر

و الباز، ۲۰۱۵) به همین جهت با توجه به نتایج پژوهش‌های پیشین می‌توان ادعا نمود که نتایج به دست آمده در تحقیقات گذشته در این تحقیق نیز اثبات شده است.

شفافیت در اطلاعات یکی از ابزارهای مسئولیت پاسخگویی مدیران است. شاهد آن هستیم که هرچقدر میزان شفافیت اطلاعات بالاتر رفته است پاسخگویی در مورد چگونگی تحصیل و مصرف منابع بیشتر شده است و امکان رشد فساد کاهش یافته است. از این رو با آرایه اطلاعات شفاف شرکتها در ایفای مسئولیت پاسخگویی خود نسبت به ذینفعان موفق عمل کرده اند و در نتیجه، شاهد آن هستیم که ارائه اطلاعات شفاف موجب محاسبه دقیق و صحیح مالیات شده است. در تحقیق حاضر یک رابطه دو سویه میان سیستم مالیات شفاف و شفافیت اطلاعات مشاهده شده است. سیاست های مالیاتی مناسب منجر به بهبود شفافیت گزارشگری و شفافیت گزارشگری به محاسبه دقیق مالیات منتهی شده است.

با ایجاد ترکیب هیئت مدیره مناسب اثربخشی هیئت مدیره افزایش یافته است. ترکیب مناسب مدیران موظف و غیر موظف، مالکان نهادی و غیره سازوکاری فراهم می‌آورد که منافع سهامداران و مدیران بیشتر همسو شود و افق دید مدیران افزایش یافته است. و ترکیب مناسب هیئت مدیره بر کاهش سیاست تقلیل دهنده مالیات موثر بوده است، همچنین با تصویب چشم انداز و تعیین ارزش برای شرکت و بررسی و مقایسه عملکرد سازمان با ارزش های تعیین شده میزان انحراف از معیارهای تعیین شده بهتر نمایان شده است و برای سایر ذینفعان پیگیری عدم انطباق عملکرد با معیارهای از پیش تعیین شده فراهم شده است. نتیجه تحقیق حاضر حاکی از آن است که شرکت هایی که بحث مالیات را جزئی از ارزش های سازمانی خود در نظر گرفته اند کمتر به سمت سیاست تقلیل دهنده مالیات روی آورده اند.

پیشنهاد می‌شود نهادهای قانونگذار، قوانینی را تصویب کنند تا شرکت ها را ملزم کند که فعالیت ها و روبه های مالیاتی خود را به صورت شفاف تر افشا کنند تا اطلاعاتی مفید و قابل اتکا برای استفاده کنندگان صورت های مالی فراهم شود. به طور مثال صورت تطبیق سود حسابداری و سود مشمول مالیات تهیه و توسط شرکت ها ارائه گردد. همچنین در تحقیقات آتی به بررسی تحلیل کمی و کیفی عملکرد حاکمیت شرکتی و سیاست تقلیل دهنده مالیاتی در صنایع مختلف فعال در عرصه اقتصادی کشور و مقایسه وضعیت و روند آن در ایران با سایر کشورهای مشابه از نظر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به ویژه کشورهای اسلامی و در حال توسعه پرداخته شود.

فهرست منابع

- * سپاسی، سحر، و فتحی، زهرا (۱۳۹۴)، تاثیر حاکمیت شرکتی بر سیاست تعهدی تقلیل دهنده مالیاتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، حسابداری مدیریت، ۲۵. ۴۹-۶۰.
- * مشایخی، بیتا، و سیدی، جلال (۱۳۹۴)، راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی، دانش حسابداری، ۶، ۲۰. ۸۳-۱۰۳.

- * مهرانی، ساسان، و سیدی، جلال (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و اختلاف مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش های نوین در حسابداری، ۱، ۱. ۷۲-۵۶.
- * خدای پور، احمد، و امینی نیا، میثم (۱۳۹۲)، بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی و تاثیر مالکیت نهادی بر این رابطه، فصلنامه پژوهشنامه مالیات، ۱۹، ۶۷. ۱۳۵-۱۳۵.
- * سلیمی، محمد جواد (۱۳۹۰)، مدلی برای رتبه بندی حاکمیت شرکتی در ایران، رساله دکتر، دانشگاه علامه طباطبایی.
- * حساس یگانه، یحیی و مولودی، عبدالله (۱۳۹۰)، رابطه حاکمیت شرکتی و ارزش ایجاد شده برای سهامداران، مطالعات مدیریت صنعتی، ۲۳. ۲۳۳-۲۶۱.
- * گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی (۱۳۸۹)، تحلیل مقایسه‌ای آثار توضیحی مالیات بر درآمد در اسلام و نظام مالیات بر درآمد در ایران، تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۷، ۱۸۹-۲۲۸.
- * باباجانی، جعفر و عبدی، مجید (۱۳۸۹)، رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت ها، مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال دوم شماره سوم. ۸۶-۶۵.
- * بت شکن، محمدهاشم و مهسا، رهبری خرازی (۱۳۸۸)، حاکمیت شرکتی: میزان رعایت حقوق سهام داران در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش های مدیریت راهبری، ۱۶(۴۲)، ۱۳۳-۱۵۴.
- * سفیری، محمدرضا و اکبر کمیجانی (۱۳۷۹)، علل مغایرت سود ابرازی اشخاص حقوقی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی با سود مشمول مالیات قطعی شده آن‌ها توسط سازمان تشخیص مالیات (مورد خاص: آذربایجان شرقی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اقتصادی، ۱-۱۸).
- * ورزکاری مقدم، حسین، و محمدتقی ضیاء بیگدلی (۱۳۷۸)، بررسی موانع و مشکلات اجرایی نظام مالیاتی بر جمع درآمد در ایران و ارائه راه‌حل با تأکید بر اداره کل مالیات‌های غرب تهران به عنوان یک الگو، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- * تقوی دامغانی، سیدرضا. (۱۳۶۹)، مالیات در نظام اسلامی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر.
- * فرهنگ، منوچهر (۱۳۵۴)، فرهنگ علوم اقتصادی، تهران، انتشارات مروی.
- * Richardson, G. Wang, B. (2016). Ownership structure and corporate tax avoidance: Evidence from publicly listed private firms in China. *Journal of contemporary Accounting and Economics*. 12(2). 141-158.
- * Laguir, L. Elbaz, J. (2015). Does corporate social responsibility affect corporate tax aggressiveness?. *Journal of Cleaner Production*, 1-14.
- * Badertscher, B. and Kats, S. Rego, S. (2013). The separation of ownership and control and corporate tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, Vol56, pp.228-250.
- * Kocmanova, A. Simberova, I (2013). Modelling of corporate governance performance indicators. *Eng. Econ*. 23(5). 485-495.

- * Lanis, R. Richardson, G. (2013). Corporate Social responsibility and tax aggressiveness: a test of legitimacy theory. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 26(1). 75-100.
- * Huseynov, F., Klamm, B. (2012). Tax avoidance, tax management and corporate social responsibility, *Journal of Corporate Finance*, Vol 18, pp. 804-827.
- * Hanlon, M., & Slemrod, J. (2012). What does tax aggressiveness signal? Evidence from stock price reactions to news about tax shelter involvement. *Journal of Public Economics* (93), 126-141.
- * Huang, & Chi-Jui. (2010, November). Corporate governance, corporate social responsibility and corporate performance. *Journal of Management and Organization*, 641-655.
- * Hanlon, M. Heitzman, S. (2010). A review of tax research, *Journal of Accounting and Economics*, Vol 50, pp. 127-178.
- * Freise, A., Link, S. and Mayer, S. (2008). Taxation and corporate governance- the state of the art, *Tax and Corporate Governance*, Springer-Verlag, Berlin and Heidelberg.
- * Christensen, J. and Murphy, R. (2004), The social irresponsibility of corporate tax avoidance: taking CSR to the bottom line, *Development*, vol. 47 No. 3, pp. 37-44.